

تحلیل نقش مدیریت خدمات شهری در ساماندهی سد معبر و بهبود نظم و کیفیت محیط

شهری

مهدی عادل^۱، مصطفی فخرآوری^۲

۱- کارشناسی مدیریت تعاون، دانشگاه علمی کاربردی جهاد کشاورزی، بوشهر. (مسئول ناحیه یک شهرداری - خدمات شهری و سد معبر)

۲- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد بوشهر. (کارشناس مالی و اداری و درآمد)

چکیده

گسترش شهرنشینی، افزایش تراکم جمعیت و پیچیده‌تر شدن فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در شهرها، مدیریت فضاهای عمومی شهری را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، پدیده سد معبر است که به شکل‌های مختلفی مانند دست‌فروشی، اشغال پیاده‌روها توسط کسبه، پارک خودرو در فضاهای عمومی و فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در معابر شهری بروز می‌یابد. این پدیده با ایجاد اختلال در جریان طبیعی تردد، کاهش ایمنی عابران پیاده، تضعیف سیما و منظر شهری و ایجاد نارضایتی اجتماعی، به یکی از مسائل مهم مدیریت شهری در شهرهای ایران تبدیل شده است. در این میان، مدیریت خدمات شهری و شهرداری‌ها نقش اساسی در ساماندهی این پدیده و بازگرداندن نظم به فضاهای عمومی ایفا می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل نقش مدیریت خدمات شهری در ساماندهی سد معبر و بررسی تأثیر آن بر بهبود نظم و کیفیت محیط شهری است. روش تحقیق در این مطالعه، مروری - تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق بررسی منابع علمی، مطالعات پیشین و پژوهش‌های مرتبط در حوزه مدیریت شهری، نظم فضایی و فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سد معبر پدیده‌ای چندبعدی است که ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و کالبدی دارد و مقابله با آن صرفاً از طریق اقدامات قهری و انضباطی امکان‌پذیر نیست. در این راستا، مدیریت خدمات شهری باید با اتخاذ رویکردی جامع، شامل برنامه‌ریزی فضایی مناسب، ایجاد بازارهای ساماندهی شده برای دست‌فروشان، بهبود زیرساخت‌های شهری، تقویت نظارت قانونی، و جلب مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان، به کنترل و کاهش این پدیده بپردازد. همچنین، هماهنگی میان نهادهای مختلف شهری و توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی فعالیت‌های غیررسمی می‌تواند نقش مهمی در افزایش اثربخشی سیاست‌های مدیریت شهری داشته باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت خدمات شهری، سد معبر، نظم فضایی شهری، کیفیت محیط شهری، فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی

مقدمه

گسترش روزافزون شهرها و افزایش تراکم جمعیتی، چالش‌های متعددی را برای مدیریت شهری و حفظ نظم و کیفیت محیط شهری به همراه داشته است. یکی از این چالش‌های جدی که در سال‌های اخیر به یکی از معضلات لاینحل شهرهای ایران تبدیل شده است، پدیده سد معبر می‌باشد. سد معبر به هرگونه تصرف غیرمجاز، موقتی یا دائمی، در فضاهای عمومی شهری اطلاق می‌شود که با هدف فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی یا شخصی صورت می‌گیرد و مانع از دسترسی آزادانه شهروندان به این فضاها، تردد عادی وسایل نقلیه و عابران پیاده، و اختلال در زیبایی و سیما و منظر شهری می‌گردد (روستایی، شهریور، و ناصری، ۲۰۱۹). این پدیده، اگرچه در برخی موارد ریشه در مسائل اقتصادی و اجتماعی، نظیر بیکاری و فقر، و در برخی دیگر ناشی از ضعف در اجرای قوانین و مقررات شهری دارد، اما پیامدهای آن دامنه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و بر کیفیت زندگی شهری، احساس امنیت شهروندان، و حتی پویایی اقتصادی شهر تأثیرگذار است.

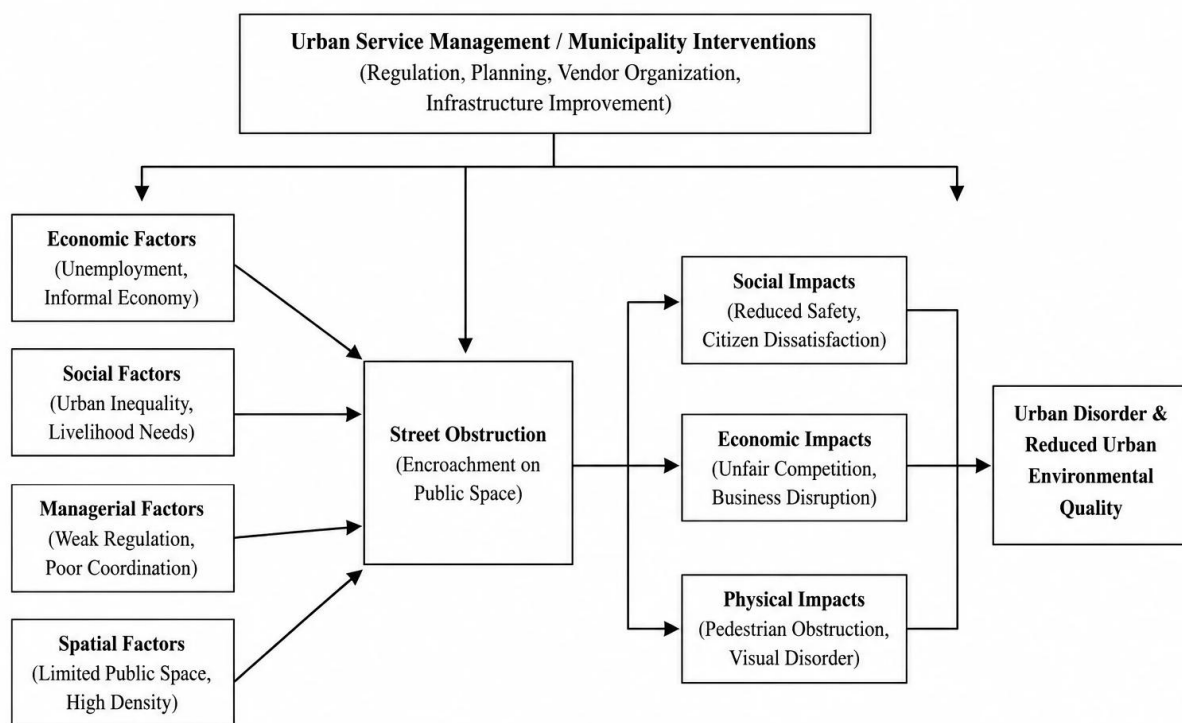
مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین نقش و مسئولیت مدیریت خدمات شهری، به ویژه شهرداری‌ها، در مقابله با پدیده سد معبر و اتخاذ راهکارهای مؤثر برای ساماندهی آن است. سد معبر تنها یک مسئله اجرایی یا انضباطی نیست، بلکه نمایانگر لزوم بازنگری در رویکردهای مدیریتی، سیاست‌گذاری‌های شهری، و نحوه تخصیص و مدیریت فضاهای عمومی است. عدم ساماندهی صحیح این پدیده، نه تنها نظم و زیبایی شهر را خدشه‌دار می‌سازد، بلکه می‌تواند به ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی، تضییع حقوق شهروندان، و تشدید نابرابری‌ها منجر شود. درک عمیق از ماهیت سد معبر، شناسایی عوامل مؤثر در بروز و تداوم آن، و بررسی راهبردهای مؤثر مدیریتی برای مقابله با آن، امری ضروری برای ارتقاء کیفیت زندگی در شهرها محسوب می‌شود.

با توجه به گستردگی و پیچیدگی پدیده سد معبر، لازم است تا نقش مدیریت خدمات شهری در این زمینه به صورت علمی و تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی باید ابعاد مختلف این نقش را از جنبه‌های قانونی، اجرایی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی مورد کنکاش قرار دهد. فقدان یک چارچوب مدیریتی منسجم و عدم هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط، از جمله شهرداری‌ها، نیروی انتظامی، و سازمان‌های مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی، می‌تواند به تشدید این معضل منجر شود. بنابراین، شناسایی نقاط قوت و ضعف رویکردهای فعلی و ارائه راهکارهای عملیاتی مبتنی بر دانش روز مدیریت شهری، هدفی اساسی در این پژوهش است. مطالعه حاضر تلاش دارد تا با تکیه بر رویکردی مروری-تحلیلی، به سؤالات اساسی در خصوص ماهیت سد معبر، علل آن، پیامدهای مخربش، و مهم‌تر از همه، چگونگی ایفای نقش مؤثر مدیریت خدمات شهری در ساماندهی این پدیده پاسخ دهد. این امر مستلزم نگاهی جامع به مفاهیم کلیدی نظیر مدیریت خدمات شهری، نظم فضایی، و فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی در بستر محیط شهری است. سرانجام، امید است که نتایج این تحقیق بتواند به درک بهتر این چالش و ارائه رهنمودهایی برای بهبود عملکرد مدیران شهری در راستای دستیابی به شهرهایی منظم‌تر، زیباتر و باکیفیت‌تر کمک نماید.

محیط شهری، به عنوان بستری پویا و چندوجهی، همواره دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های فراوان بوده است. در این میان، نحوه مدیریت فضاهای عمومی و تنظیم فعالیت‌های شهری، نقشی کلیدی در شکل‌گیری کیفیت زیست شهری ایفا می‌کند. سد معبر، به عنوان یکی از نمودهای بارز اختلال در نظم و کارکرد فضاهای عمومی، چالشی فراگیر است که نیاز به درک عمیق و راهکارهای مدیریتی اثربخش دارد. این پدیده، فراتر از یک مسئله صرفاً اجرایی، بازتابی از تعامل پیچیده میان نهادهای شهری، شهروندان، و عوامل اقتصادی و اجتماعی است. درک ماهیت سد معبر مستلزم شناخت دقیق ابعاد آن است؛ ابعادی که هم جنبه‌های کالبدی و هم جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. تصرف فضاهای عمومی، نه تنها مانع از تردد

عادی و دسترسی به امکانات شهری می‌شود، بلکه می‌تواند منجر به ایجاد نارضایتی‌های اجتماعی، کاهش امنیت، و حتی تضییع حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر شود. از سوی دیگر، در بسیاری از موارد، پدیده سد معبر ریشه در نیازهای اقتصادی افراد و فقدان فرصت‌های شغلی مناسب دارد، که این امر لزوم اتخاذ رویکردهای اجتماعی-اقتصادی در کنار اقدامات انضباطی را برجسته می‌سازد.

مدیریت خدمات شهری، به عنوان نهاد اصلی متولی اداره امور شهر و تأمین رفاه و آسایش شهروندان، نقشی حیاتی در ساماندهی پدیده‌هایی چون سد معبر ایفا می‌کند. این مدیریت، با در اختیار داشتن ابزارها و اختیارات قانونی، و همچنین با اتکا به دانش و تجربه کارشناسان خود، مسئولیت سنگین حفظ نظم و انضباط شهری و ارتقاء کیفیت محیط زیست شهری را بر عهده دارد. اما چالش اصلی، چگونگی به‌کارگیری این ابزارها و اختیارات به شیوه‌ای مؤثر، عادلانه، و پایدار است. این پژوهش بر آن است تا با نگاهی تحلیلی، به بررسی عمیق نقش مدیریت خدمات شهری در فرآیند ساماندهی سد معبر بپردازد. این بررسی شامل تحلیل مبانی نظری مدیریت خدمات شهری و نظم فضایی، شناخت ابعاد پدیده سد معبر، ارزیابی پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن، ارائه راهکارها و سیاست‌های مدیریتی برای کنترل و کاهش این معضل خواهد بود. هدف نهایی، کمک به دستیابی به درکی جامع‌تر از این چالش و ارائه چارچوبی عملیاتی برای ارتقاء عملکرد نهادهای مدیریت شهری در راستای تأمین شهری منظم، زیبا، و زیست‌پذیر است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش درباره نقش مدیریت خدمات شهری در ساماندهی سد معبر و ارتقای نظم و کیفیت محیط شهری

این مدل مفهومی، رابطه میان عوامل زمینه‌ای و چالش‌های شهری با پدیده سد معبر را نشان می‌دهد. در این چارچوب، رشد شهری، مسائل اجتماعی-اقتصادی، ضعف اجرای مقررات و فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی به عنوان عوامل مؤثر در بروز انسداد فضای عمومی در نظر گرفته شده‌اند. همچنین، نقش مدیریت خدمات شهری و شهرداری‌ها به عنوان بازیگر اصلی در مواجهه با این مسئله، از طریق راهبردهایی همچون تقویت چارچوب‌های قانونی، برنامه‌ریزی فضایی، بهبود زیرساخت‌ها،

حمایت اجتماعی-اقتصادی، مشارکت عمومی و هماهنگی بین‌بخشی تبیین شده است. در نتیجه، اجرای این راهبردها می‌تواند به بهبود نظم شهری، ارتقای کیفیت زندگی، پایداری محیط شهری و افزایش رضایت شهروندان منجر شود.

۲. مبانی نظری مدیریت خدمات شهری و نظم فضایی شهر

مدیریت خدمات شهری، به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی شهری، بر تأمین و ارائه خدمات ضروری و بهبود مستمر کیفیت زندگی شهروندان تمرکز دارد. این حوزه مدیریتی، طیف وسیعی از وظایف را شامل می‌شود که از خدمات زیربنایی مانند تأمین آب، برق، و گاز، تا خدمات روبنایی مانند جمع‌آوری زباله، بهسازی معابر، فضای سبز، و بهداشت عمومی را در بر می‌گیرد. جوهر اصلی مدیریت خدمات شهری، ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی بین بخش‌های مختلف شهری و مدیریت منابع موجود به منظور دستیابی به اهداف توسعه پایدار و رضایت شهروندان است (غفاری راد، سعیدی، و رحمانی، ۲۰۲۱). در چارچوب این نظریه، نهادهای مدیریتی شهری، از جمله شهرداری‌ها، نقش محوری در برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی این خدمات ایفا می‌کنند. این نقش، صرفاً ارائه خدمات فنی نیست، بلکه شامل تنظیم روابط بین شهروندان و خدمات شهری، و تلاش برای ایجاد محیطی امن، سالم، و پویا است.

در مقابل، مفهوم نظم فضایی شهر به نحوه سازماندهی و توزیع فعالیت‌ها، کاربری‌ها، و ساختارهای فیزیکی در سطح شهر اشاره دارد. نظم فضایی مطلوب، به معنای وجود یک چینش منطقی و هماهنگ از عناصر شهری است که منجر به کارایی بیشتر، دسترسی آسان‌تر به خدمات، و افزایش کیفیت زیست محیطی و اجتماعی می‌شود. این نظم، تنها به چیدمان فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه شامل تنظیم جریان‌های حرکتی، فعالیت‌های اقتصادی، و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی نیز می‌گردد. سد معبر، به طور مستقیم نظم فضایی شهر را مختل می‌کند، زیرا با تصرف فضاهای عمومی، جریان عادی تردد را مختل کرده و روابط کاربری‌ها را به هم می‌ریزد. بنابراین، ساماندهی سد معبر، در واقع تلاش برای بازگرداندن نظم فضایی مطلوب و ارتقاء کارایی و زیست‌پذیری محیط شهری است. ارتباط بین مدیریت خدمات شهری و نظم فضایی، ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه است. مدیریت خدمات شهری ناکارآمد می‌تواند به بی‌نظمی فضایی دامن بزند، چرا که عدم ارائه خدمات به موقع یا نامناسب، می‌تواند شهروندان را به سمت تصرف فضاهای عمومی برای تأمین نیازهای خود سوق دهد. از سوی دیگر، فقدان نظم فضایی مطلوب، چالش‌های جدیدی را برای مدیریت خدمات شهری ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، سد معبر می‌تواند جمع‌آوری زباله را دشوار سازد، دسترسی نیروهای امدادی را محدود کند، و یا نگهداری از فضای سبز را با مشکل مواجه سازد. در این میان، نقش مدیریت شهری، نه تنها در ارائه خدمات، بلکه در ایجاد و حفظ چارچوب‌های نظارتی و قانونی لازم برای تضمین نظم فضایی است.

این چارچوب‌های نظارتی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که هم نیازهای اقتصادی و اجتماعی شهروندان را مدنظر قرار دهند و هم از حقوق عمومی و منافع جمعی محافظت کنند. عدم تعادل در این راستا، می‌تواند منجر به بروز یا تشدید پدیده‌هایی مانند سد معبر شود. به عبارت دیگر، مدیریت خدمات شهری موفق، مدیریتی است که قادر است ضمن تأمین خدمات با کیفیت، نظم فضایی مطلوب را نیز در شهر برقرار سازد و تعادل را بین حقوق فردی و منافع جمعی حفظ کند. این امر نیازمند رویکردی جامع، یکپارچه، و مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان مختلف است.

در راستای تبیین نظری این موضوع، مطالعات متعددی به بررسی مؤلفه‌های مدیریت شهری و اهمیت نظم فضایی پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها بر نقش برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار در ایجاد نظم فضایی تأکید دارند، در حالی که برخی دیگر بر اهمیت مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی در فرآیند مدیریت شهری و حفظ نظم عمومی تأکید می‌کنند. همچنین، تحقیقاتی به بررسی چالش‌های ارائه خدمات شهری در مناطق متراکم و پرجمعیت پرداخته‌اند و راهکارهایی برای بهبود کارایی این خدمات ارائه داده‌اند. این مباحث نظری، پایه‌ای برای درک عمیق‌تر چالش سد معبر و نقش مدیریت خدمات

شهری در این زمینه فراهم می‌آورد. اهمیت نظم فضایی در شهرها، امری انکارناپذیر است. نظم فضایی مطلوب، به ایجاد محیطی امن، دسترسی‌پذیر، و دلنشین برای ساکنان شهر کمک می‌کند. این نظم، نه تنها بر جنبه‌های فیزیکی و کالبدی شهر، بلکه بر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن نیز تأثیرگذار است. به عنوان مثال، وجود پیاده‌روهای عریض و ایمن، دسترسی آسان به فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی، و فضای سبز کافی، همگی بخشی از نظم فضایی مطلوب هستند که کیفیت زندگی شهری را ارتقاء می‌بخشند. در مقابل، هرگونه اختلال در این نظم، به ویژه از طریق تصرف فضاهای عمومی، می‌تواند پیامدهای منفی گسترده‌ای را به دنبال داشته باشد.

مدیریت خدمات شهری، به عنوان نهاد متولی حفظ و ارتقاء کیفیت زندگی در شهر، نقش محوری در ایجاد و حفظ نظم فضایی ایفا می‌کند. این مدیریت، از طریق برنامه‌ریزی، اجرا، و نظارت بر ارائه خدمات شهری، و همچنین از طریق اعمال قوانین و مقررات مربوط به کاربری اراضی و فضاهای عمومی، به شکل‌گیری نظم فضایی مطلوب کمک می‌نماید. در واقع، خدمات شهری با کیفیت، خود یکی از مؤلفه‌های اصلی نظم فضایی محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، جمع‌آوری منظم زباله، نورپردازی مناسب معابر، و نگهداری از فضای سبز، همگی به ایجاد محیطی منظم و دلنشین یاری می‌رسانند. در این میان، پدیده سد معبر، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مصادیق برهم خوردن نظم فضایی، چالشی جدی برای مدیریت خدمات شهری محسوب می‌شود. سد معبر، با تصرف غیرمجاز فضاهای عمومی، نه تنها بر دسترسی به خدمات و تردد عادی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند به بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز منجر شود. بنابراین، رویکرد مدیریت خدمات شهری به این پدیده، باید رویکردی جامع و چندوجهی باشد که هم به جنبه‌های انضباطی و قانونی توجه کند و هم به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن بپردازد. در ادامه، به بررسی عمیق‌تر ابعاد مختلف پدیده سد معبر و پیامدهای آن پرداخته خواهد شد. اما لازم است در این مرحله، بر این نکته تأکید شود که ساماندهی سد معبر، تنها بخشی از وظیفه گسترده‌تر مدیریت خدمات شهری در تأمین نظم و کیفیت محیط شهری است. این ساماندهی، باید در چارچوب یک استراتژی کلان برای توسعه شهری پایدار و با در نظر گرفتن منافع بلندمدت شهروندان و جامعه صورت پذیرد.

۳. مفهوم و ابعاد پدیده سد معبر در شهرهای ایران

پدیده سد معبر، به عنوان یک چالش شهری فراگیر، در شهرهای ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و با ظاهری متفاوت اما با ماهیتی یکسان، در ابعاد گوناگون مشاهده می‌شود. به طور کلی، سد معبر به هرگونه تجاوز و اشغال غیرمجاز فضاهای عمومی شهری، اعم از پیاده‌روها، کوچه‌ها، میادین، و حتی حریم معابر اصلی، اطلاق می‌گردد که مانع از استفاده بهینه و قانونی از این فضاها توسط شهروندان و عموم مردم می‌شود. این تصرفات می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد، از جمله پهن کردن بساط دست‌فروشان، پارک خودروها در پیاده‌روها، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، تخلیه نخاله ساختمانی، و یا حتی قرار دادن اشیاء و موانع فیزیکی برای اشغال فضا (صفایی‌پور، حسینی، نبی‌الله، و قیصری، ۲۰۱۵). درک جامع از مفهوم سد معبر، مستلزم در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن است که هر کدام، لایه‌هایی از پیچیدگی این پدیده را آشکار می‌سازد.

یکی از برجسته‌ترین ابعاد سد معبر، بعد کالبدی و فضایی آن است. سد معبر، با اشغال فیزیکی فضاهای عمومی، خطوط اصلی دسترسی و تردد را مختل می‌کند. این امر به ویژه در مناطق پرتراکم شهری، که فضاهای عمومی محدود و ارزش اقتصادی بالایی دارند، پیامدهای جدی‌تری به دنبال دارد. پیاده‌روها، که فضایی حیاتی برای تردد عابران پیاده، کودکان، سالمندان، و افراد دارای معلولیت محسوب می‌شوند، در بسیاری از مناطق به طور کامل یا جزئی توسط مغازه‌داران، دست‌فروشان، یا خودروها اشغال شده‌اند. این وضعیت، نه تنها موجب نایمی و ناراحتی شهروندان می‌شود، بلکه زیبایی بصری شهر را نیز خدشه‌دار کرده و سیما و منظر شهری را مخدوش می‌سازد. بعد اقتصادی سد معبر نیز قابل توجه است. در بسیاری از موارد،

پدیده سد معبر، به خصوص در قالب دست‌فروشی و مشاغل غیررسمی، ریشه در نیازهای اقتصادی افراد و عدم وجود فرصت‌های شغلی رسمی دارد. این فعالیت‌ها، در حالی که می‌توانند منبع درآمدی برای برخی از افراد باشند، در صورت عدم ساماندهی، به ایجاد نابرابری‌های اقتصادی، رقابت ناسالم با کسب‌وکارهای رسمی، و حتی تضییع حقوق مصرف‌کنندگان منجر می‌شوند. همچنین، سد معبر می‌تواند بر ارزش املاک و مستغلات اطراف خود تأثیر منفی گذاشته و فعالیت اقتصادی قانونی را در آن مناطق با چالش مواجه کند.

بعد اجتماعی سد معبر، نیز بسیار مهم و تأثیرگذار است. تصرف فضاهای عمومی، می‌تواند به نارضایتی شهروندان، کاهش احساس امنیت، و تضعیف روحیه اجتماعی منجر شود. وقتی شهروندان احساس می‌کنند که فضاهای عمومی متعلق به همه، توسط عده‌ای خاص اشغال شده است، این موضوع می‌تواند به تشدید تنش‌های اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی نسبت به نهادهای مدیریتی منجر گردد. همچنین، سد معبر می‌تواند دسترسی گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند سالمندان، معلولان، و مادران دارای کالسکه، را به فضاهای عمومی محدود کرده و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر سازد. از منظر حقوقی و مدیریتی، سد معبر بیانگر ضعف در اجرای قوانین و مقررات مربوط به فضاهای عمومی و تصرفات غیرمجاز است. این پدیده، چالشی اساسی برای شهرداری‌ها و سایر نهادهای مسئول در حفظ نظم و انضباط شهری محسوب می‌شود. عدم وجود قوانین روشن و شفاف، یا عدم توانایی در اجرای مؤثر این قوانین، به گسترش سد معبر کمک می‌کند. همچنین، فقدان هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف، از جمله شهرداری، نیروی انتظامی، و اصناف، می‌تواند اجرای هرگونه راهکار برای مقابله با سد معبر را با مشکل مواجه سازد.

بنابراین، سد معبر در شهرهای ایران، پدیده‌ای چندبعدی است که ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، و مدیریتی دارد. این پدیده، نه تنها بر نظم و زیبایی شهر تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه به طور مستقیم بر کیفیت زندگی شهروندان و کارایی نهادهای شهری اثرگذار است. درک این ابعاد مختلف، اولین گام اساسی در جهت یافتن راهکارهای مؤثر برای ساماندهی آن محسوب می‌شود. سد معبر، در معنای عام، هرگونه مانع و اختلالی است که در مسیر تردد و استفاده آزادانه شهروندان از فضاهای عمومی شهری ایجاد می‌شود. این اختلال می‌تواند از سوی افراد حقیقی یا حقوقی، و با اهداف گوناگون، صورت پذیرد. در شهرهای ایران، گستردگی و تنوع اشکال سد معبر، آن را به یکی از چالش‌های اساسی مدیریت شهری تبدیل کرده است (مرادی، صالحی نجف‌آبادی، و مولود، ۲۰۱۶). تحلیل ابعاد مختلف این پدیده، به درک عمیق‌تر ریشه‌ها و پیامدهای آن کمک شایانی می‌کند.

یکی از اصلی‌ترین اشکال سد معبر، تجاوز به پیاده‌روها و فضاهای مختص عابران پیاده است. این تجاوز، اغلب از سوی اصناف و کسبه برای توسعه فضای کسب‌وکار خود، یا از سوی دست‌فروشان و فروشندگان سیار صورت می‌گیرد. پهن کردن بساط، قرار دادن کالاها، و یا حتی ایجاد پیش‌آمدگی در مقابل مغازه‌ها، همگی نمونه‌هایی از این نوع سد معبر هستند که دسترسی و تردد عابران را مختل کرده و امنیت آنها را به خطر می‌اندازد. این وضعیت، به ویژه در مناطق تجاری و پرتردد شهر مشهود است و چهره‌ای نامنظم و نازیبا به شهر می‌بخشد. جنبه دیگر سد معبر، مربوط به پارک خودروها در مکان‌های غیرمجاز، به ویژه در پیاده‌روها و حاشیه معابر است. با افزایش تعداد خودروها و کمبود پارکینگ، بسیاری از رانندگان برای سهولت دسترسی، اقدام به پارک در پیاده‌روها می‌کنند. این عمل، نه تنها حقوق عابران را پایمال می‌کند، بلکه دسترسی نیروهای خدماتی و امدادی را نیز با مشکل مواجه می‌سازد و نظم ترافیکی شهر را بر هم می‌زند. گاهی نیز، خودروهای اسقاطی یا رها شده، برای مدت طولانی در معابر عمومی باقی مانده و به نوعی سد معبر دائمی تبدیل می‌شوند.

فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی، از جمله دست‌فروشی و سد معبر ناشی از آن، یکی از پیچیده‌ترین ابعاد این پدیده است. این فعالیت‌ها، در حالی که می‌توانند نیازهای اقتصادی بخشی از جامعه را تأمین کنند، در صورت عدم ساماندهی، موجب ایجاد

بی‌نظمی، رقابت ناسالم، و مشکلات بهداشتی و ایمنی می‌شوند. دست‌فروشان، اغلب در مکان‌های پرتردد و ناایمن، بساط خود را پهن می‌کنند که این امر، علاوه بر ایجاد سد معبر، می‌تواند به مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی نیز دامن بزند. علاوه بر این، سد معبر می‌تواند اشکال دیگری نیز به خود بگیرد، مانند تخلیه نخاله‌های ساختمانی در معابر، قرار دادن سطوح‌های زباله در فضاهای نامناسب، و یا حتی برگزاری مراسم و تجمع‌ها بدون مجوز در فضاهای عمومی. هر یک از این موارد، به نحوی، کارکرد طبیعی فضاهای شهری را مختل کرده و بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر منفی می‌گذارد. شناسایی دقیق این اشکال مختلف و ابعاد مرتبط با آنها، گامی اساسی در جهت تدوین راهکارهای مؤثر و جامع برای ساماندهی این پدیده است. در مجموع، سد معبر در شهرهای ایران، پدیده‌ای چندوجهی است که ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، و مدیریتی را در بر می‌گیرد. عدم ساماندهی مؤثر این پدیده، نه تنها زیبایی و نظم شهر را بر هم می‌زند، بلکه می‌تواند به تشدید نابرابری‌های اجتماعی، کاهش احساس امنیت، و تضییع حقوق شهروندان منجر شود. لذا، درک عمیق از مفهوم و ابعاد این پدیده، پیش‌نیاز هرگونه اقدام موفق در راستای مقابله با آن است.

۴. پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی سد معبر در محیط شهری

سد معبر، به عنوان یک پدیده فراگیر و مختل‌کننده نظم شهری، پیامدهای گسترده و غالباً منفی را بر ابعاد مختلف محیط شهری، اعم از اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی، به بار می‌آورد. این پیامدها، در هم تنیده و بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و در نتیجه، به کاهش کیفیت کلی زندگی شهری منجر می‌شوند. درک عمیق از این تبعات، ضرورت ساماندهی جدی این پدیده را بیش از پیش آشکار می‌سازد و مبنایی برای تدوین راهکارهای اثربخش فراهم می‌آورد.

یکی از بارزترین پیامدهای سد معبر، تأثیرات منفی آن بر بعد اجتماعی محیط شهری است. تصرف فضاهای عمومی، به ویژه پیاده‌روها و میادین، که محل تعامل و گردهمایی شهروندان هستند، از دسترسی آزادانه و ایمن آنها به این فضاها می‌کاهد. این وضعیت، می‌تواند منجر به کاهش تعاملات اجتماعی، انزوای گروه‌های خاص، و تضعیف حس تعلق به مکان شود. دسترسی محدود برای گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند سالمندان، کودکان، و افراد دارای معلولیت، به دلیل وجود موانع فیزیکی و غیرقابل دسترس بودن پیاده‌روها، نمونه‌ای بارز از تبعات اجتماعی سد معبر است که احساس نابرابری و محرومیت را در میان این گروه‌ها تشدید می‌کند. علاوه بر این، سد معبر می‌تواند به کاهش سطح آسایش روانی شهروندان، افزایش استرس ناشی از تردد در فضاهای ناامن و پرتراфик، و در نتیجه، کاهش رضایت کلی از زندگی شهری منجر شود.

در بعد اقتصادی، سد معبر نیز پیامدهای قابل توجهی دارد. از یک سو، فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی که منجر به سد معبر می‌شوند، در صورت عدم ساماندهی، می‌توانند رقابت ناسالمی را با کسب‌وکارهای رسمی ایجاد کنند. این امر، نه تنها به ضرر صاحبان مشاغل قانونی تمام می‌شود، بلکه می‌تواند بر قیمت کالاها و خدمات نیز تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، سد معبر، با ایجاد اختلال در دسترسی به اماکن تجاری و خدماتی، می‌تواند منجر به کاهش تردد مشتریان و در نتیجه، کاهش درآمد کسب‌وکارهای مجاز شود. همچنین، تصرف فضاهای عمومی، ارزش اقتصادی املاک و مستغلات اطراف را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند از جذابیت سرمایه‌گذاری در آن مناطق بکاهد. از منظر دیگر، هزینه‌های ناشی از پاکسازی سد معبر، که بر دوش شهرداری‌ها و در نتیجه، شهروندان قرار می‌گیرد، خود بار اقتصادی قابل توجهی را به همراه دارد.

در بعد کالبدی و فضایی، سد معبر آسیب‌های جدی به ساختار فیزیکی و زیبایی‌شناسی شهر وارد می‌آورد. اشغال پیاده‌روها، معابر، و فضاهای سبز، منجر به ناهمگونی بصری، آشفتگی سیمای شهری، و کاهش خوانایی فضاهای عمومی می‌شود. تخریب کف‌سازی پیاده‌روها، آسیب به تأسیسات شهری، و اختلال در کارکرد سیستم‌های دفع آب‌های سطحی، از جمله تبعات فیزیکی مستقیم سد معبر هستند. همچنین، سد معبر می‌تواند بر دسترسی به اماکن عمومی، مانند مدارس، بیمارستان‌ها، و

مراکز فرهنگی، تأثیر منفی گذاشته و کارایی عملکردی این اماکن را کاهش دهد. در بلندمدت، عدم ساماندهی سد معبر می‌تواند منجر به ایجاد مناطق ناکارآمد و فرسوده در سطح شهر شود که بازسازی و احیای آنها هزینه‌بر و دشوار خواهد بود. به طور کلی، پیامدهای سد معبر، فراتر از یک مسئله صرفاً زیبایی‌شناختی یا اجرایی است. این پدیده، ریشه در مسائل اقتصادی و اجتماعی داشته و بازتابی از ضعف در مدیریت شهری و اجرای قوانین است. عدم توجه به این پیامدها، می‌تواند به تشدید مشکلات شهری، کاهش کیفیت زندگی، و تضییع سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی منجر شود. بنابراین، ساماندهی مؤثر سد معبر، نه تنها به منظور بازگرداندن نظم و زیبایی به شهر، بلکه برای ارتقاء ابعاد اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی محیط شهری، امری حیاتی محسوب می‌شود (صابری، ناصحی، و علیزاده، ۲۰۲۴). گسترش پدیده سد معبر در شهرهای ایران، پیامدهای عمیقی را در سه حوزه اصلی اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بر محیط شهری تحمیل می‌کند که شناخت این پیامدها برای تدوین راهکارهای مناسب ضروری است. از منظر اجتماعی، سد معبر به طور مستقیم بر دسترسی و کیفیت استفاده شهروندان از فضاهای عمومی تأثیر می‌گذارد. پیاده‌روهایی که محل اصلی تعاملات اجتماعی، رفت و آمدهای روزمره، و فعالیت‌های تفریحی محسوب می‌شوند، در اثر تصرفات غیرمجاز، به فضاهایی نامن، نامناسب، و غیرقابل دسترس برای بخش قابل توجهی از جامعه، به ویژه سالمندان، کودکان، و افراد کم‌توان، تبدیل می‌شوند. این امر منجر به کاهش نشاط اجتماعی، تشدید احساس انزوا، و تضعیف پیوندهای اجتماعی در میان شهروندان می‌گردد. همچنین، وجود چهره‌های نازیبا و نامنظم ناشی از سد معبر، بر روحیه روانی شهروندان تأثیر منفی گذاشته و حس تعلق به مکان را کمرنگ می‌سازد.

در بعد اقتصادی، سد معبر پیامدهای دوگانه و غالباً منفی را به همراه دارد. از یک سو، فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی که در قالب سد معبر صورت می‌گیرد، در صورت عدم نظارت و قانون‌گذاری مناسب، می‌تواند منجر به ایجاد رقابت ناسالم و غیرمنصفانه با کسب‌وکارهای رسمی و دارای مجوز شود. این امر، علاوه بر آسیب رساندن به واحدهای صنفی قانونی، می‌تواند به کاهش درآمد شهرداری‌ها از طریق مالیات و عوارض نیز منجر گردد. از سوی دیگر، تصرف پیاده‌روها و معابر، دسترسی مشتریان به فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی را دشوار کرده و موجب کاهش فروش و سودآوری این واحدها می‌شود. همچنین، سد معبر می‌تواند بر ارزش املاک و مستغلات در مناطق مرکزی و پرتردد شهر تأثیر منفی گذاشته و از جذابیت سرمایه‌گذاری در این مناطق بکاهد. به علاوه، هزینه‌های بالای مرتبط با رفع سد معبر و پاکسازی فضاهای اشغال شده، بار مالی مضاعفی را بر دوش مدیریت شهری تحمیل می‌کند. از منظر کالبدی و فضایی، سد معبر مستقیماً کیفیت و کارایی فضاهای شهری را مختل می‌کند. اشغال پیاده‌روها، از وظیفه اصلی آنها یعنی تسهیل تردد عابران پیاده، منحرف ساخته و حتی ممکن است به تخریب زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری زیرین منجر شود. عدم نظم در چیدمان بساط دست‌فروشان، تخلیه زباله و نخاله در معابر، و پارک خودروها در فضاهای نامناسب، همگی باعث آشفته‌گی بصری، مخدوش شدن سیما و منظر شهری، و کاهش خوانایی و قابلیت جهت‌یابی در محیط شهری می‌شوند. این وضعیت، نه تنها زیبایی شهر را از بین می‌برد، بلکه می‌تواند به افزایش خطر تصادفات، تشدید آلودگی‌های زیست‌محیطی، و ایجاد مشکلات بهداشتی نیز منجر گردد. در بلندمدت، این اختلالات کالبدی می‌تواند روند فرسودگی شهر را تسریع بخشد و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان برای اصلاح و بازسازی را به همراه داشته باشد.

در واقع، پیامدهای سد معبر، به صورت یک چرخه معیوب عمل می‌کنند؛ مشکلات اقتصادی افراد را به سمت فعالیت‌های غیررسمی سوق می‌دهد، این فعالیت‌ها نظم کالبدی و اجتماعی شهر را مختل می‌کنند، این اختلالات منجر به نارضایتی اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی می‌شود، و در نتیجه، این نارضایتی‌ها خود می‌تواند به ناکارآمدی بیشتر مدیریت شهری و تشدید مشکلات دامن بزند. بنابراین، ساماندهی این پدیده، نه تنها برای بازگرداندن نظم و زیبایی، بلکه برای بهبود ابعاد بنیادین زیست شهری، امری ضروری است (امینی‌نژاد، غلامی، و زنده‌بودی، ۲۰۲۱).

۵. نقش مدیریت خدمات شهری و شهرداری‌ها در کنترل و ساماندهی سد معبر

مدیریت خدمات شهری، به عنوان نهاد اصلی مسئول اداره امور روزمره شهر و تأمین رفاه و آسایش شهروندان، نقشی محوری و چندوجهی در کنترل و ساماندهی پدیده سد معبر ایفا می‌کند. شهرداری‌ها، به عنوان بازوی اجرایی مدیریت خدمات شهری، با برخورداری از اختیارات قانونی و سازوکارهای اجرایی، وظیفه خطیر حفظ نظم و انضباط شهری و تضمین دسترسی عادلانه همه شهروندان به فضاهای عمومی را بر عهده دارند. این نقش، صرفاً منحصر به اقدامات قهری و انضباطی نیست، بلکه دامنه وسیع‌تری را شامل می‌شود که نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ است.

یکی از مهم‌ترین نقش‌های شهرداری‌ها در این زمینه، اجرای دقیق و مؤثر قوانین و مقررات مربوط به تصرفات غیرمجاز در فضاهای عمومی است. این امر شامل صدور اخطاریه، جمع‌آوری اموال و بساط متصرفان، و در صورت لزوم، اعمال جرائم قانونی است. این اقدامات، اگرچه لازم و ضروری هستند، اما در صورت عدم همراهی با راهکارهای حمایتی و اجتماعی، ممکن است تنها به صورت موقتی این پدیده را کنترل کرده و نتوانند ریشه‌های آن را از بین ببرند. بنابراین، اجرای قانون باید با رویکردی منطقی و انسانی همراه باشد تا از ایجاد پیامدهای ناگوار اجتماعی و اقتصادی برای اقشار آسیب‌پذیر جلوگیری شود. نقش دیگر مدیریت شهری، مربوط به برنامه‌ریزی و تخصیص فضاهای جایگزین و مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی است. در بسیاری از موارد، سد معبر ناشی از نیاز اقتصادی افراد به کسب درآمد است. در چنین شرایطی، شهرداری‌ها می‌توانند با شناسایی مناطق مناسب و ایجاد بازارهای موقت، بازارهای روز، یا جانمایی غرفه‌های مشخص برای دست‌فروشان و مشاغل سیار، ضمن ساماندهی این فعالیت‌ها، از تصرف فضاهای عمومی اصلی جلوگیری کنند. این رویکرد، علاوه بر حل مشکل سد معبر، به قانونی شدن و بهبود شرایط اقتصادی این افراد نیز کمک می‌کند.

همچنین، مدیریت خدمات شهری مسئولیت بهبود زیرساخت‌ها و تسهیلات شهری را بر عهده دارد. احداث پیاده‌روهای استاندارد، تأمین نور کافی در معابر، نصب علائم راهنمایی و رانندگی مناسب، و همچنین ایجاد پارکینگ‌های عمومی کافی، می‌تواند به کاهش بروز برخی از انواع سد معبر، به ویژه سد معبر ناشی از پارک خودروها، کمک کند. نگهداری و بهسازی مستمر این زیرساخت‌ها نیز بخشی از وظیفه مدیریت شهری در حفظ نظم و کارایی فضاهای عمومی است. نقش ارتباطی و اطلاع‌رسانی مدیریت شهری نیز در این زمینه حائز اهمیت است. شهرداری‌ها باید با اطلاع‌رسانی شفاف در خصوص قوانین و مقررات مربوط به سد معبر، حقوق شهروندان، و همچنین با جلب مشارکت عمومی در فرآیند ساماندهی، به ایجاد فرهنگی مبتنی بر احترام به فضاهای عمومی و نظم شهری کمک کنند. برگزاری جلسات مشاوره با ذی‌نفعان، از جمله اصناف، دست‌فروشان، و نمایندگان شهروندان، می‌تواند به یافتن راهکارهای مشترک و مورد پذیرش همگان منجر شود.

در نتیجه، مدیریت خدمات شهری باید با همکاری و هماهنگی سایر نهادهای دولتی و مدنی، از جمله نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، و سازمان‌های مردم‌نهاد، به یک رویکرد جامع و یکپارچه در مقابله با سد معبر دست یابد. فقدان هماهنگی بین این دستگاه‌ها، یکی از موانع اصلی در اجرای مؤثر راهکارهاست. بنابراین، ایجاد یک کارگروه مشترک یا سازوکاری برای هماهنگی بین بخشی، می‌تواند اثربخشی اقدامات را به طور چشمگیری افزایش دهد (غفاری‌راد و سعیدی، ۲۰۱۸).

شهرداری‌ها، به عنوان اصلی‌ترین نهاد متولی مدیریت شهری، مسئولیت مستقیمی در قبال کنترل و ساماندهی پدیده سد معبر دارند. این مسئولیت، ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرد که نیازمند اتخاذ رویکردهایی جامع، هماهنگ، و مبتنی بر اصول علمی و اجرایی است. نقش شهرداری‌ها در این میان، صرفاً اجرای قوانین و اعمال مجازات نیست، بلکه شامل طیف وسیعی از اقدامات پیشگیرانه، حمایتی، و مشارکتی نیز می‌شود. یکی از وظایف اساسی شهرداری‌ها، تدوین و اجرای طرح‌های جامع و تفصیلی شهری است که در آنها، کاربری اراضی، فضاهای عمومی، و نحوه استفاده از آنها به روشنی مشخص شده باشد.

شفافیت در این زمینه، مبنایی قانونی برای برخورد با سد معبر فراهم می‌آورد. همچنین، شهرداری‌ها باید بر اجرای دقیق ضوابط شهرسازی، از جمله رعایت حریم پیاده‌روها و معابر، نظارت مستمر داشته باشند و با هرگونه تجاوز به این حریم‌ها، قاطعانه برخورد نمایند.

در بخش اجرایی، شهرداری‌ها از طریق سازمان‌های مربوطه، مانند سازمان میادین میوه و تره‌بار، سازمان پارک‌ها و فضای سبز، و سازمان‌های خدمات شهری، وظایف متعددی را در راستای ساماندهی سد معبر بر عهده دارند. ایجاد و مدیریت بازارهای ساماندهی شده برای مشاغل سیار و دست‌فروشان، اختصاص فضاهای مشخص برای عرضه محصولات، و همچنین اجرای طرح‌های پاکسازی مستمر معابر از انواع سد معبر، از جمله این وظایف هستند. این اقدامات، نیازمند نیروی انسانی آموزش‌دیده، تجهیزات لازم، و برنامه‌ریزی دقیق است. علاوه بر این، نقش پیشگیرانه شهرداری‌ها نیز بسیار حیاتی است. این نقش شامل اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص مضرات سد معبر، آموزش شهروندان در زمینه رعایت حقوق همگانی، و همچنین تشویق به مشارکت در برنامه‌های بهبود محیط شهری است. ایجاد سامانه ارتباط مردمی برای گزارش سد معبر و پیگیری سریع این گزارش‌ها، می‌تواند به افزایش پاسخگویی و شفافیت در عملکرد شهرداری کمک کند.

یکی از چالش‌های اصلی پیش روی شهرداری‌ها، تعارض منافع و فشارهای اجتماعی و اقتصادی است که گاهی مانع از اجرای قاطعانه قوانین می‌شود. در چنین شرایطی، شهرداری‌ها باید با تکیه بر رویکردهای علمی و با اتخاذ سیاست‌های حمایتی هدفمند، به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر، به تعادلی بین اجرای قانون و حفظ حقوق شهروندان دست یابند. این امر مستلزم نگاهی جامع به مسائل اجتماعی و اقتصادی شهر است. هماهنگی با سایر نهادها، مانند نیروی انتظامی، اداره اماکن، و سازمان تعزیرات حکومتی، برای برخورد قاطع و مؤثر با سد معبر، یکی دیگر از نقش‌های حیاتی شهرداری‌ها محسوب می‌شود. تشکیل کارگروه‌های مشترک و تدوین پروتکل‌های همکاری، می‌تواند به هم‌افزایی این نهادها و افزایش اثربخشی اقدامات منجر شود. در نتیجه، ارزیابی مستمر عملکرد و بازنگری در راهکارها، جزء لاینفک مدیریت شهری در مبارزه با سد معبر است (حاجی‌علی‌زاده، حیدری، و رشیدی ابراهیم حصار، ۲۰۱۷).

۶. سیاست‌ها، راهبردها و ابزارهای مدیریتی در ساماندهی فعالیت‌های غیررسمی شهری

ساماندهی فعالیت‌های غیررسمی شهری، که غالباً از عوامل اصلی بروز پدیده سد معبر محسوب می‌شوند، نیازمند اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌ها، راهبردها، و ابزارهای مدیریتی جامع و چندوجهی است. رویکرد صرفاً قهری و انضباطی، بدون توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، و نیازهای واقعی فعالان این حوزه، معمولاً پایدار نبوده و مشکلات را به شکلی دیگر بازتولید می‌کند. در مقابل، یک رویکرد مدیریتی مؤثر، باید به دنبال ایجاد تعادل بین کنترل نظم عمومی و حمایت از معیشت افراد باشد.

یکی از سیاست‌های کلیدی در این زمینه، شناسایی دقیق و دسته‌بندی فعالیت‌های غیررسمی است. این فعالیت‌ها، از دست‌فروشی صرف گرفته تا ارائه خدمات سیار و تعمیرات جزئی، طیف وسیعی را شامل می‌شوند. هر دسته از این فعالیت‌ها، نیازمند راهکارها و مقررات متفاوتی است. بنابراین، ابتدا باید مشخص شود که چه نوع فعالیت‌هایی در حال انجام است، چه تعداد افراد در این حوزه فعال هستند، و چه نیازها و چالش‌هایی دارند (محمدیان و رحیمی، ۲۰۲۵). این اطلاعات، مبنای تدوین سیاست‌های هدفمند قرار می‌گیرد. یکی از راهبردهای اصلی، «رسمی‌سازی» یا «ساماندهی» این فعالیت‌هاست. این راهبرد می‌تواند شامل ایجاد بازارهای مشخص و قانونی برای دست‌فروشان، صدور مجوزهای موقت یا دائم برای مشاغل سیار، یا حتی فراهم کردن فضاهایی برای کارگاه‌های کوچک و غیرآلاینده باشد. این امر، نه تنها به نظم بخشیدن به فعالیت‌ها کمک می‌کند، بلکه امکان دریافت مالیات و عوارض، و همچنین نظارت بر کیفیت و بهداشت را نیز فراهم می‌آورد. ابزارهای اجرایی

در این راستا شامل احداث بازارچه‌ها، واگذاری غرفه‌ها، و ارائه تسهیلات حمایتی برای تبدیل مشاغل غیررسمی به رسمی است.

راهبرد دیگر، «کنترل و نظارت» بر فعالیتهای غیررسمی است. این راهبرد، در صورتی که نتوان یا نخواهیم همه این فعالیتها را رسمی کنیم، باید به شکلی دقیق و عادلانه اجرا شود. این کنترل می‌تواند شامل تعیین ساعات مجاز فعالیت، محدودیت در نوع کالاها یا خدمات ارائه شده، و همچنین تعیین مناطق ممنوعه برای فعالیت باشد. ابزارهای مدیریتی در این زمینه، شامل اعمال جرائم قانونی، جمع‌آوری بساط متصرفان، و استفاده از گشت‌های نظارتی مستمر است. البته، اجرای این ابزارها باید با رعایت حقوق انسانی و جلوگیری از برخوردهای خشونت‌آمیز صورت پذیرد. همچنین، توجه به ابعاد حمایتی و توانمندسازی فعالان اقتصادی غیررسمی، بخشی حیاتی از راهبرد ساماندهی است. این امر می‌تواند شامل ارائه آموزش‌های شغلی، ارائه مشاوره اقتصادی، و یا حتی فراهم کردن دسترسی به اعتبارات خرد باشد. هدف، ارتقاء سطح مهارت‌ها و توانایی‌های این افراد، و در نتیجه، کمک به آنها برای ورود به بازار کار رسمی یا بهبود شرایط کسب‌وکار غیررسمی خود است. ابزارهای اجرایی در این زمینه، شامل برگزاری کارگاه‌های آموزشی، ایجاد مراکز مشاوره شغلی، و تسهیل دسترسی به منابع مالی است.

راهبرد دیگر، «مدیریت تقاضا» و «اصلاح الگوی مصرف» است. این راهبرد، به دنبال کاهش جذابیت خرید از فروشندگان غیرمجاز و یا استفاده از خدماتی است که منجر به سد معبر می‌شوند. این امر می‌تواند از طریق اطلاع‌رسانی عمومی، ترویج فرهنگ خرید از فروشگاه‌های دارای مجوز، و همچنین آگاهی‌بخشی در خصوص مضرات سد معبر صورت پذیرد. ابزارهای مدیریتی در این زمینه، شامل کمپین‌های اطلاع‌رسانی، آموزش شهروندی، و استفاده از رسانه‌های جمعی است. در نتیجه، موفقیت در ساماندهی فعالیتهای غیررسمی شهری، نیازمند ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف ذی‌ربط، از جمله شهرداری‌ها، وزارت کار، سازمان بهزیستی، و نیروی انتظامی است. تدوین قوانین و مقررات منسجم، ایجاد سازوکارهای اجرایی مشترک، و همچنین مشارکت فعال شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد، از عوامل کلیدی در دستیابی به نتایج پایدار هستند (صبوحی، عفت، مرادی چادگانی، و صادقی، ۲۰۲۰).

مدیریت فعالیتهای غیررسمی شهری، که غالباً ریشه بسیاری از پدیده‌های سد معبر محسوب می‌شوند، نیازمند اتخاذ راهبردهایی فراتر از برخورد صرفاً انضباطی است. این راهبردها باید بر پایه درک عمیق از ابعاد اقتصادی و اجتماعی این فعالیتها و با هدف دستیابی به تعادلی پایدار بین نظم عمومی و معیشت افراد بنا نهاده شوند. سیاست‌گذاری در این حوزه، باید چندبعدی بوده و از ابزارهای متنوع مدیریتی بهره گیرد. یکی از سیاست‌های کلیدی، «شناسایی و طبقه‌بندی» انواع فعالیتهای غیررسمی است. این امر شامل شناسایی مشاغل غیررسمی، فروشندگان سیار، تعمیرکاران غیرمجاز، و ارائه‌دهندگان خدمات در حاشیه معابر است. هر یک از این فعالیتها، ویژگی‌ها، نیازها، و مشکلات خاص خود را دارند و نیازمند راهکارهای متفاوتی هستند. ابزار مدیریتی در این مرحله، اجرای پیمایش‌های میدانی، جمع‌آوری آمارهای دقیق، و تشکیل پایگاه داده‌های مربوط به این بخش از اقتصاد شهری است.

راهبرد محوری در این زمینه، «ساماندهی و ادغام» این فعالیتها در اقتصاد رسمی شهر است. این امر می‌تواند از طریق «رسمی‌سازی» صورت پذیرد. رسمی‌سازی به معنای فراهم کردن بسترهای قانونی و اجرایی برای فعالیت این افراد است. ابزارهای اجرایی در این راستا شامل ایجاد بازارهای محلی و تخصصی، واگذاری غرفه‌های ثابت یا سیار با شرایط مناسب، صدور پروانه‌های کسب موقت یا دائمی، و همچنین ارائه تسهیلات و وام‌های خرد برای راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکارهای قانونی است. این رویکرد، ضمن قانونمند کردن فعالیتها، به افزایش درآمد شهرداری‌ها از طریق مالیات و عوارض نیز کمک می‌کند. راهبرد دیگر، «کنترل و مدیریت» فعالیتهای غیررسمی است، به ویژه در مواردی که رسمی‌سازی کامل امکان‌پذیر یا مطلوب نیست. این راهبرد شامل تعیین ضوابط و مقررات مشخص برای زمان، مکان، و نوع فعالیت، و همچنین اجرای نظارت مستمر

بر رعایت این ضوابط است. ابزارهای مدیریتی در این بخش، عبارتند از: اعمال جریمه‌های قانونی برای متخلفان، جمع‌آوری اموال و بساط افراد متخلف، و در صورت لزوم، انتقال این افراد به مراکز آموزشی یا اشتغال. این اقدامات باید با رعایت اصول کرامت انسانی و با هدف بازدارندگی صورت پذیرند. همچنین، «توانمندسازی و حمایت» از فعالان اقتصادی غیررسمی، یک راهبرد بنیادین است. این امر شامل ارائه آموزش‌های مهارتی و شغلی، مشاوره‌های کارآفرینی، و همچنین ایجاد شبکه‌های حمایتی و تعاونی برای این افراد است. هدف، ارتقاء سطح کیفی و اقتصادی این فعالان و کمک به آنها برای دستیابی به وضعیت شغلی پایدارتر است. ابزارهای اجرایی در این زمینه، شامل برگزاری دوره‌های آموزشی، ایجاد مراکز مشاوره شغلی، و تسهیل دسترسی به خدمات بانکی و اعتباری است. در نتیجه، «مشارکت ذی‌نفعان» و «آموزش عمومی» نیز از ابزارهای مدیریتی مهم در این حوزه محسوب می‌شوند. ایجاد سازوکارهای مشارکتی برای مشورت با فعالان اقتصادی غیررسمی، اصناف، و شهروندان، و همچنین اجرای کمپین‌های اطلاع‌رسانی در خصوص مضرات و پیامدهای سد معبر، می‌تواند به افزایش پذیرش راهکارها و ایجاد فرهنگ شهرنشینی مسئولانه کمک کند. هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و غیردولتی مرتبط، نیز برای اجرای مؤثر این سیاست‌ها و راهبردها، امری ضروری است (رضائی، نجاری نابی، و رعنا، ۲۰۲۴).

۷. تجارب مدیریتی و الگوهای موفق ساماندهی دست‌فروشان و معابر شهری

مطالعه تجارب موفق ملی و بین‌المللی در زمینه ساماندهی دست‌فروشان و معابر شهری، می‌تواند چراغ راهی برای تدوین راهکارهای مؤثر و پایدار در شهرهای ایران باشد. این تجارب نشان می‌دهند که رویکردهای موفق، غالباً جامع، مشارکتی، و مبتنی بر نیازسنجی دقیق هستند و صرفاً بر اقدامات قهری تکیه ندارند. در این بخش، به بررسی برخی از این الگوها و درس‌های آموخته شده از آنها می‌پردازیم.

در بسیاری از شهرهای پیشرفته دنیا، رویکرد غالب، «مدیریت فعال» به جای «برخورد صرف» با پدیده دست‌فروشی و سد معبر است. این مدیریت فعال، شامل شناسایی دقیق مکان‌های مناسب برای فعالیت دست‌فروشان، تعیین ساعات مشخص برای عرضه کالا، و ارائه مجوزهای قانونی با شرایط شفاف است. به عنوان مثال، در شهر پاریس، دست‌فروشان مجاز، در مناطق مشخص و در ساعات تعیین شده، اجازه فعالیت دارند و از آنها انتظار می‌رود که به نظم و زیبایی منطقه احترام بگذارند. این امر، ضمن فراهم کردن فرصت شغلی، از اشغال بی‌رویه فضاهای عمومی جلوگیری می‌کند. یک الگوی موفق دیگر، «ایجاد بازارهای رسمی و سازمان‌یافته» برای دست‌فروشان است. در بسیاری از شهرهای آسیای جنوب شرقی، مانند بانکوک یا کوالالامپور، بازارهای شبانه و روزانه متعددی وجود دارند که به دست‌فروشان اجازه می‌دهند در فضاهای مشخص و با امکانات رفاهی مناسب، به کسب‌وکار خود بپردازند. این بازارها، اغلب تبدیل به جاذبه‌های گردشگری نیز می‌شوند و به اقتصاد محلی کمک شایانی می‌کنند. مزیت این الگو، تمرکز فعالیت‌ها در یک مکان، سهولت نظارت، و رعایت بهتر مسائل بهداشتی و زیست‌محیطی است. در کشورهای آمریکای لاتین، به ویژه در شهرهایی مانند ریودوژانیرو، رویکردهایی برای «اجتماعی کردن» مدیریت دست‌فروشان اتخاذ شده است. این رویکرد، شامل مشارکت دادن خود دست‌فروشان در فرآیند تصمیم‌گیری، ارائه آموزش‌های شغلی و مالی به آنها، و همچنین ایجاد شبکه‌های تعاونی برای حمایت متقابل است. این امر، ضمن افزایش حس مسئولیت‌پذیری در میان دست‌فروشان، به بهبود کیفیت خدمات و محصولات آنها نیز کمک می‌کند.

یکی دیگر از الگوهای موفق، «مدیریت هوشمندانه تقاضا» است. در برخی از شهرهای اروپا، کمپین‌های اطلاع‌رسانی گسترده‌ای برای تشویق شهروندان به خرید از کسب‌وکارهای رسمی و احترام به فضاهای عمومی اجرا شده است. این کمپین‌ها، ضمن آگاهی‌بخشی در خصوص مضرات سد معبر، بر اهمیت حمایت از اقتصاد محلی و حفظ زیبایی شهر تأکید دارند. این رویکرد، به تدریج فرهنگ شهرنشینی را تغییر داده و به کاهش تقاضا برای خرید از منابع غیررسمی کمک می‌کند.

در کشور ما نیز، نمونه‌هایی از تلاش برای ساماندهی دست‌فروشان و معابر شهری وجود دارد. ایجاد بازارهای روز، تعیین برخی از نقاط برای عرضه محصولات فصلی، و همچنین اجرای طرح‌های انضباطی در برخی مناطق، از جمله این اقدامات بوده‌اند. با این حال، موفقیت این اقدامات، اغلب با چالش‌هایی مانند عدم استمرار، نبود هماهنگی بین بخشی، و یا عدم توجه کافی به ابعاد اقتصادی و اجتماعی روبرو بوده است. درس‌های آموخته شده از این تجارب، بر چند نکته کلیدی تأکید دارند: اولاً، نیاز به رویکردی جامع که هم جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و هم جنبه‌های انضباطی و قانونی را در بر گیرد. ثانیاً، ضرورت مشارکت فعال ذی‌نفعان، به ویژه خود دست‌فروشان، در فرآیند تدوین و اجرای راهکارها. ثالثاً، اهمیت استمرار و پیگیری طرح‌ها، و اجتناب از رویکردهای مقطعی و صرفاً انضباطی. چهارم، لزوم هماهنگی بین نهادهای مختلف دولتی و شهرداری‌ها. پنجم، توجه به نیازهای بومی و فرهنگی هر شهر در طراحی راهکارها. در آخر، موفقیت در ساماندهی دست‌فروشان و معابر شهری، نیازمند نگاهی بلندمدت، رویکردی مبتنی بر توانمندسازی، و استفاده از ابزارهای نوین مدیریتی است که بتواند تعادلی پایدار بین نیازهای اقتصادی، نظم عمومی، و کیفیت زیست شهری ایجاد کند (فلکی، ۲۰۲۱).

بررسی تجارب مدیریتی در ساماندهی دست‌فروشان و معابر شهری، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، نشان‌دهنده تنوع راهکارها و نتایج متفاوت است. این تجارب، بستر مناسبی برای استخراج الگوهای موفق و درس‌های آموخته شده فراهم می‌آورند که می‌تواند راهگشای حل مشکلات مشابه در شهرهای ایران باشد. در بسیاری از کلان‌شهرهای جهان، رویکرد اصلی، نه مقابله قهرآمیز، بلکه «مدیریت فعال و مشارکتی» بوده است. برای مثال، در شهر لندن، بسیاری از فعالیت‌های خیابانی، از جمله دست‌فروشی، دارای چارچوب‌های قانونی مشخصی هستند. این مجوزها، مکان، زمان، و نوع فعالیت را تعیین می‌کنند و رعایت آنها توسط نهادهای مسئول، از جمله پلیس و شهرداری، نظارت می‌شود. این رویکرد، ضمن نظم بخشیدن به معابر، فضایی برای فعالیت اقتصادی مشروع ایجاد می‌کند.

در شهرهای آسیای شرقی، نظیر سنگاپور، رویکرد به سوی «نظم و پاکیزگی حداکثری» گرایش دارد. در این کشور، فعالیت دست‌فروشان به شدت کنترل شده و غالباً محدود به بازارهای مشخص و از پیش تعیین شده است. اما این کنترل، با فراهم کردن فرصت‌های شغلی جایگزین و حمایت از کسب‌وکارهای رسمی همراه بوده است. درس آموخته شده از سنگاپور، لزوم اجرای قاطعانه مقررات در کنار ارائه جایگزین‌های اقتصادی مناسب است. در آمریکای جنوبی، برخی شهرها مانند بوئنوس آیرس، به سمت «توانمندسازی اقتصادی» دست‌فروشان حرکت کرده‌اند. این شهرها، با ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تسهیل دسترسی به اعتبار، و ایجاد بازارهای تعاونی، تلاش کرده‌اند تا دست‌فروشان را از وضعیت غیررسمی خارج کرده و به سمت فعالیت‌های اقتصادی پایدارتر هدایت کنند. این رویکرد، بر رفع ریشه‌های اقتصادی سد معبر تمرکز دارد.

در کشورهای اروپای شرقی، مانند ورشو، تجاربی در زمینه «فضاهای عمومی چندمنظوره» وجود دارد. در این شهر، فضاهای عمومی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که امکان برگزاری رویدادهای موقت، بازارچه‌های فصلی، و فعالیت‌های هنری را فراهم می‌کنند. این رویکرد، ضمن افزایش پویایی شهر، فضایی کنترل شده برای فعالیت‌های خرده‌فروشی ایجاد می‌کند و از تصرف دائمی معابر جلوگیری می‌کند. در ایران نیز، تلاش‌هایی در زمینه ساماندهی دست‌فروشان صورت گرفته است، از جمله ایجاد برخی بازارهای روز و ساماندهی موقت دست‌فروشان در مناسبت‌های خاص. با این حال، چالش اصلی، «عدم استمرار» و «نبود یک رویکرد جامع و پایدار» بوده است. بسیاری از این طرح‌ها، پس از مدتی به فراموشی سپرده شده و مشکلات به حالت اول بازگشته‌اند. همچنین، «فقدان هماهنگی» بین نهادهای مختلف، مانند شهرداری، نیروی انتظامی، و سازمان صمت، مانع از اجرای مؤثر راهکارها بوده است.

درس‌های کلیدی که از این تجارب می‌توان آموخت، عبارتند از:

۱. مشارکت فعال ذی‌نفعان: درگیر کردن خود دست‌فروشان، کسبه، و شهروندان در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری.

۲. رویکرد جامع: تلفیق اقدامات انضباطی با راهکارهای اقتصادی، اجتماعی، و آموزشی.
۳. استمرار و پایداری: اجرای مستمر طرحها و جلوگیری از رویکردهای مقطعی.
۴. هماهنگی بین بخشی: ایجاد سازوکار مشترک برای همکاری نهادهای مرتبط.
۵. تنوع بخشی به راهکارها: استفاده از ترکیبی از بازارهای رسمی، مجوزهای موقت، و فضاهای عمومی انعطاف پذیر.
۶. توجه به بعد فرهنگی: تلاش برای تغییر فرهنگ شهرنشینی و ارتقاء مسئولیت پذیری اجتماعی (روستایی، شهریور، و ناصری، ۲۰۱۹).

به طور کلی، الگوهای موفق، آنهایی هستند که توانسته اند تعادلی بین نیازهای اقتصادی افراد، حقوق شهروندان، و منافع عمومی شهر ایجاد کنند.

۸. جمع بندی و نتیجه گیری

پدیده سد معبر، به عنوان یکی از معضلات لاینحل و پایدار در شهرهای ایران، ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی را تحت تأثیر قرار داده و منجر به کاهش کیفیت زندگی شهری، خدشه دار شدن سیما و منظر شهر، و ایجاد نارضایتی عمومی شده است. این پژوهش با رویکرد مروری-تحلیلی، تلاش نمود تا نقش مدیریت خدمات شهری و شهرداریها را در فرآیند کنترل و ساماندهی این پدیده مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که سد معبر، تنها یک مسئله اجرایی یا انضباطی نیست، بلکه ریشه‌های عمیقی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، و همچنین ضعف‌های مدیریتی و قانونی دارد. در بخش مقدمه و بیان مسئله، به گستردگی و پیچیدگی پدیده سد معبر پرداخته شد و ضرورت پژوهش در خصوص نقش مدیریت شهری در این زمینه مورد تأکید قرار گرفت. مبنای نظری تحقیق، با تکیه بر مفاهیم مدیریت خدمات شهری و نظم فضایی، نشان داد که نظم فضایی مطلوب، جزئی جدایی‌ناپذیر از عملکرد صحیح مدیریت شهری است و سد معبر، به طور مستقیم این نظم را مختل می‌سازد. در ادامه، ابعاد مختلف پدیده سد معبر در شهرهای ایران، شامل ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، و مدیریتی، شناسایی و تبیین گردید.

تحلیل پیامدهای سد معبر، گستره تأثیرات منفی آن را بر ابعاد اجتماعی (مانند کاهش تعاملات، تشدید نابرابری)، اقتصادی (مانند رقابت ناسالم، کاهش درآمد کسب و کارها)، و کالبدی (مانند اختلال در دسترسی، تخریب سیما و منظر شهری) آشکار ساخت. در بخش نقش مدیریت خدمات شهری، مشخص گردید که این نهاد، با در اختیار داشتن ابزارهای قانونی و اجرایی، مسئولیت اصلی در کنترل و ساماندهی سد معبر را بر عهده دارد، اما این نقش باید فراتر از اقدامات قهری و شامل برنامه‌ریزی، تخصیص فضاهای جایگزین، بهبود زیرساخت‌ها، و هماهنگی بین بخشی باشد. سیاست‌ها، راهبردها، و ابزارهای مدیریتی در ساماندهی فعالیت‌های غیررسمی شهری، بر لزوم اتخاذ رویکردی جامع، مشارکتی، و حمایتی تأکید داشتند. این راهبردها شامل شناسایی، رسمی‌سازی، کنترل، و توانمندسازی فعالان اقتصادی غیررسمی بود. همچنین، بررسی تجارب مدیریتی و الگوهای موفق، نشان داد که رویکردهای ترکیبی، مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان، استمرار طرح‌ها، و هماهنگی بین نهادی، در بلندمدت اثربخش‌تر هستند. می‌توان نتیجه گرفت که ساماندهی مؤثر پدیده سد معبر، نیازمند یک رویکرد استراتژیک و چندبعدی از سوی مدیریت شهری است. این رویکرد باید شامل موارد زیر باشد:

۱. تقویت مبنای قانونی و اجرایی: بازنگری و شفاف‌سازی قوانین مربوط به تصرف فضاهای عمومی و ارتقاء توانمندی نهادهای اجرایی در برخورد قاطع و عادلانه با متخلفان.
۲. تدوین و اجرای سیاست‌های جامع اقتصادی و اجتماعی: اتخاذ راهکارهایی برای کاهش ریشه‌های اقتصادی سد معبر، از جمله ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، حمایت از مشاغل خرد و رسمی، و ارائه خدمات حمایتی به اقشار آسیب‌پذیر.

۳. طراحی و مدیریت فضاهای شهری: تخصیص هدفمند فضاهای مناسب برای فعالیتهای اقتصادی مجاز، به ویژه دستفروشان و مشاغل سیار، و همچنین بهبود کیفیت و دسترسی به فضاهای عمومی.
 ۴. افزایش مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان: جلب مشارکت فعال شهروندان در گزارش سد معبر، و ایجاد سازوکارهای مشورتی با دستفروشان، اصناف، و سازمان‌های مردم‌نهاد برای یافتن راهکارهای مشترک.
 ۵. استفاده از فناوری و نوآوری: به‌کارگیری ابزارهای نوین مدیریتی، مانند سیستم‌های اطلاعات مکانی (GIS)، سامانه‌های پایش تصویری، و اپلیکیشن‌های موبایل برای گزارش‌دهی و پیگیری سد معبر.
 ۶. هماهنگی بین بخشی: ایجاد سازوکارهای مؤثر برای همکاری و هم‌افزایی بین شهرداری‌ها، نیروی انتظامی، وزارت کار، و سایر نهادهای مرتبط.
 ۷. تأکید بر استمرار و پایداری: طراحی برنامه‌های بلندمدت و اطمینان از استمرار اجرای راهکارها، با اجتناب از رویکردهای مقطعی و صرفاً انضباطی.
- اجرای موفقیت‌آمیز این راهکارها، می‌تواند به بهبود چشمگیر نظم و کیفیت محیط شهری، ارتقاء رضایت شهروندان، و تحقق اهداف توسعه پایدار شهری منجر گردد. مدیریت خدمات شهری، با ایفای نقش فعال و مسئولانه خود، می‌تواند در تبدیل چالش سد معبر به فرصتی برای ارتقاء کارآمدی و زیست‌پذیری شهرها نقش کلیدی ایفا کند.

منابع

- غفاری راد، سعیدی، رحمانی. (۲۰۲۱). کارآمدی برنامه‌ریزی فضایی در ارزیابی آثار و پیامدهای احداث و بهره‌برداری از سد و شبکه آبیاری در ساماندهی نظام فضایی (مطالعه موردی: سد علویان در استان آذربایجان شرقی). برنامه ریزی توسعه کالبدی، ۱۱(۱)، ۲۷-۱۱.
- فلکی. (۲۰۲۱). تحلیل سازوکارهای بهبود و پایداری تعاونی آب بران سد تبارک در شهرستان قوچان. روستا و توسعه پایدار فضا، ۱(۴)، ۶۹-۸۶.
- صبوچی، عفت، مرادی چادگان، صادقی. (۲۰۲۰). تحلیل دگرگونی سیاست‌گذاریهای افقی و عمودی ساماندهی مشاغل شهری در برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و عمرانی ملی ایران پس از انقلاب اسلامی. اقتصاد شهری، ۱۵(۱)، ۸۱-۹۸.
- روستایی، شهرپور، ناصری. (۲۰۱۹). ارزیابی قابلیت پیاده‌مداری معابر بافت تاریخی شهر مراغه. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۰(۱۹)، ۱۲۳-۱۳۴.
- غفاری راد، سعیدی. (۲۰۱۸). نقش احداث و بهره‌برداری از سد و شبکه‌های آبیاری در ساماندهی نظام فضایی سکونتگاه‌های روستایی، مورد: سد مخزنی علویان در نواحی مراغه و بناب (آذربایجان شرقی/ایران). جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، ۱۶(۱۶)، ۲۴-۳۷.
- صالحی. (۲۰۲۰). نقش «سرمایه اجتماعی» و «هویت اجتماعی» بهره‌برداران در مدیریت طرح‌های ساماندهی و تعیین حریم و بستر رودخانه‌ها نمونه پژوهش: رودخانه سیمره. برنامه ریزی فضایی، ۱۰(۳)، ۶۶-۷۶.
- محمدیان، رحیمی. (۲۰۲۵). نظام حکمرانی کسب‌وکار در ایران: تحلیل شبکه‌ای برای شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های روابط سازمانی. کسب و کار اجتماعی.
- غفاری، سید رامین، محمدی ده چشمه، پژمان. (۲۰۱۳). بررسی پدیده سد معبر در پیاده‌روهای شهری (مطالعه موردی: شهرکرد-خیابان ملت). فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۲۱(۸۴)، ۱۲۱-۱۳۲.
- روستایی، شهرپور، ناصری. (۲۰۱۹). ارزیابی قابلیت پیاده‌مداری معابر بافت تاریخی شهر مراغه. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۰(۱۹)، ۱۲۳-۱۳۴.

- رضائی، ناهیده، نجاری نایی، رعنا. (۲۰۲۴). مروری بر تجربیات بین‌المللی ساماندهی دست‌فروشان با تأکید بر نقش دست‌فروشی در منظر شهری. اقتصاد و برنامه ریزی شهری، ۱۵(۱)، ۱۵۴-۱۷۰.
- مرادی، صالحی نجف آبادی، مولود. (۲۰۱۶). تحلیلی بر نیازسنجی و رضایت‌سنجی شهروندان جهت کاربرد در برنامه‌ریزی توسعه شهری-مطالعه موردی شهروندان شهر جوزدان. اقتصاد شهری، ۱۱(۱)، ۹۹-۱۱۷.
- امینی نژاد، غلامی، زنده بودی. (۲۰۲۱). بررسی و تحلیل کاربری‌های مزاحم شهری، نمونه‌ی موردی: خیابان عاشوری شهر بوشهر. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۲(شماره ۱-۲ (پیاپی ۲۳))، ۲۱-۳۴.
- حاجی علی زاده، حیدری، رشیدی ابراهیم حصار. (۲۰۱۷). تحلیل مکانیزم‌های سپند مؤثر بر امنیت و کاهش بزه در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۶(۳)، ۵۱-۷۲.
- صابری، ناصحی، علیزاده. (۲۰۲۴). تبیین نقش سیمای بصری بر رفتار شهروندان (مطالعه موردی منطقه ۸ اصفهان). جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۸(۸۹)، ۳۲۹-۳۰۶.
- صفایی پور، حسینی، نبی‌الله، قیصری. (۲۰۱۵). سنجش رابطه میان رضایت‌مندی شهروندان از عملکرد شهرداری و شاخص‌های پایداری محیط زیست شهری، مطالعه موردی: شهر دزفول. فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۶(۱۱)، ۲۵-۴۰.